

الزامات بازنگری درس «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»؛ مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی

* دکتر مجتبی مقصودی

** شقایق حیدری

چکیده

تحولات سریع در دنیای معاصر و نیازهای به شدت فزاینده محافل علمی و اجرایی برای درک بهتر و واقع‌گرایانه‌تر پدیده‌ها، فرایندها و رخداد‌های جهان، نظام آموزش دانشگاهی بسیاری از کشورها را متناسب با این تحولات دستخوش تغییر کرده است. با توجه به چنین پیش‌فرضی، نظام آموزشی کشور نیازمند پویایی، تحول و پاسخگویی در مقابل نیازهای اجتماعی و جهان به شدت متغیر کنونی است.

* دانشیار رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکزی
(m.magsoudi@iauctb.ac.ir)

** دانشجوی دکتری رشته علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران مرکز
(Heidari.shaghayegh@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۱۱/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۷/۱۱

پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۹، صص ۲۲۴-۱۸۹.

بسیاری از سرفصل‌های دروس رشته علوم سیاسی که در فضای سال‌های نخستین انقلاب اسلامی طراحی شده است، پس از سی سال نیاز به بازنگری دارند تا همخوانی بیشتری با نیازها و واقعیت‌های معاصر داشته باشند. با توجه به چنین الزامی، در این پژوهش به بازنگری سرفصل یکی از دروس رشته علوم سیاسی در دوره کارشناسی یعنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته می‌شود.

مهم‌ترین یافته این پژوهش آن است که زمان آن فرا رسیده تا سرفصل‌های درس سیاست خارجی با عطف به تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و متناسب با نیازهای جامعه دانشگاهی اصلاح شود. همچنین این مقاله نقاط ضعف سرفصل‌های این درس را مشخص و پیشنهادهایی برای بهبود، کارآمدتر بودن و هماهنگ‌تر بودن این سرفصل‌ها با نیازهای جامعه دانشگاهی ارائه می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: درس سیاست خارجی، رشته علوم سیاسی، مقطع کارشناسی، دانشگاه.

مقدمه

تغییرات شتابنده در آستانه دهه دوم هزاره سوم، جایی برای تفکرات ایستا، غیر قابل انعطاف و ناکارآمد باقی نمی‌گذارد. تفکرات، نیازها و گزاره‌های حاکم بر جهان معاصر با جهان پیش از این و فضای حاکم بر جهان دوقطبی، تفاوت بسیار دارد. یکی از عرصه‌هایی که نسبت به قبل دستخوش تغییرات و دگرگونی‌های فراوانی شده است، عرصه آموزش است. تحولات سریع در دنیای معاصر، فضای حاکم بر آموزش، محتوا، اهداف و ابزارهای نظام آموزشی و از جمله نظام آموزش دانشگاهی را به سرعت دستخوش تغییر کرده و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را پیش روی نظام آموزشی قرار داده است. با توجه به چنین واقعیت غیر قابل انکاری، نظام آموزشی کشور نیازمند پویایی، تحول و پاسخگویی در مقابل نیازهای اجتماعی و جهان به شدت متغیر کنونی است.

در اینجا باید به این نکته اشاره کرد که نظام آموزش عالی در ایران به خصوص در حوزه علوم انسانی، به دلیل مقررات سنتی حاکم بر آن و نادیده گرفتن نیازمندی‌های جهان معاصر، با مشکلات فراوانی روبه‌رو است. قسمت قابل توجهی از نظام آموزش عالی در حوزه علوم انسانی، قدیمی، ناکارآمد و ناتوان از تبیین، توصیف و پیش‌بینی و آینده‌پژوهی پدیده‌های اجتماعی است و با نیازهای جامعه‌ای که پیوسته در حال تغییر و تحول و دگرگونی است، همخوانی ندارد. بر این اساس، نیاز به تغییر در این بخش‌ها غیر قابل اجتناب به نظر می‌رسد.

بسیاری از سرفصل‌های دروس رشته علوم سیاسی که در فضای سال‌های اولیه انقلاب اسلامی طراحی شده و گاه شتاب‌زدگی در تدوین آنها آشکارا احساس می‌شود، پس از گذشت سی سال از انقلاب اسلامی نیاز به بازنگری دارند تا با

نیازها و واقعیت‌های معاصر، همخوانی بیشتری داشته باشند.

با توجه به چنین الزامی، در این پژوهش قصد داریم به توصیف، تبیین و بازنگری سرفصل یکی از دروس رشته علوم سیاسی در دوره کارشناسی یعنی درس «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» پردازیم. این درس ۳ واحد نظری را در دروس دوره کارشناسی به خود اختصاص داده است.

سال‌ها تجربه تدریس درس سیاست خارجی و آشنایی با کم و کیف و به‌ویژه نقاط ضعف، قوت و خلأهای آن و نیز ضرورت بازنگری در سرفصل‌های این درس زمینه‌ساز تدوین این مقاله شده است. از آنجا که سیستم دانشگاهی در ایران سیستمی متمرکز و نظام‌محور است، به نظر می‌رسد زمان آن فرا رسیده باشد که سرفصل‌های این درس با توجه به تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و متناسب با نیازهای جامعه دانشگاهی اصلاح شود. این پژوهش در پی آن است تا با بهره‌گیری از نظرسنجی از دانشجویان درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (به عنوان مخاطبان و بهره‌مندان این درس و جامعه هدف)، تعدادی از اساتید محترم دانشگاه‌های کشور و با استفاده از نظرات آنها، نقاط ضعف سرفصل‌های این درس را مشخص و پیشنهادهایی برای بهبود، کارآمدتر و هماهنگ‌تر شدن این سرفصل‌ها با نیازهای جامعه دانشگاهی ارائه دهد.

سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی پژوهش: سرفصل‌های درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی در مقطع کارشناسی از چه وضعیتی برخوردار است و چه الزامات و راهکارهایی در بازنگری سرفصل‌های این درس وجود دارد؟

سؤال فرعی: آیا سرفصل‌های درس سیاست خارجی متناسب با تغییرات فزاینده در جهان معاصر و از جمله در بین کشورهای همسایه و در سطح منطقه، و نیز تحولات سی سال اخیر در عرصه مناسبات خارجی جمهوری اسلامی ایران، بازبینی شده و پاسخگوی نیازهای دانشجویان است؟؛ اصلاحات سرفصل درس سیاست خارجی به لحاظ محتوایی، ساختاری، رویکردی و شکلی شامل چه مواردی است؟

مفروضات

■ تغییرات فزاینده در جهان کنونی ملزومات خاص خود را برای نظام آموزشی به همراه دارد.

■ نظام آموزشی مناسب، نظامی است که با نیازها و خواسته‌های جامعه و بازار کار هماهنگی داشته باشد و قدرت توصیف و تبیین نسبی مسائل و موضوعات مبتلابه را برای دانشجوی رشته مربوطه فراهم آورد؛

■ الگوهای آموزشی در هر دوره‌ای نیاز به بازبینی و بازنگری دارند؛

■ هماهنگی با تغییرات جهانی از مشخصه‌های یک نظام آموزشی کارآمد است.

فرضیه

به نظر می‌رسد سرفصل‌های درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تحولات شتابنده در جهان معاصر، به لحاظ محتوایی، ساختاری، رویکردی و شکلی نیاز به اصلاح و بازنگری دارد.

روش‌شناسی و فرایند پژوهش

از جمله گروه‌های مهم ذی‌نفع و متأثر از نظام و کیفیت آموزشی، سرفصل‌ها و محتوای درسی، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها هستند. این پژوهش ضمن تعیین دانشجویان و اساتید به عنوان گروه هدف که کم و کیف محتوای درسی بر تدریس، آموزش و یادگیری آنان تأثیر می‌گذارد، سرفصل‌های مصوب درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی را از طریق پرسش از دانشجویان و اساتید رشته مورد طرح و بررسی قرار می‌دهد.

از نظر روش‌شناسی این پژوهش مبتنی بر روش پیمایشی است که از طریق نظرسنجی از ۲۲۳ دانشجوی رشته علوم سیاسی^۱ از پنج دانشگاه کشور شامل دانشگاه‌های تهران، آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، یزد و مازندران، و همچنین ده تن از اساتید دانشگاه‌های کشور که اسامی

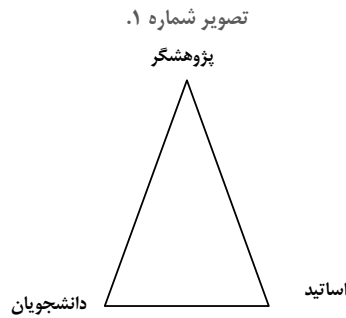
۱. پرسشنامه‌های ارسال‌شده برای ۳۰۰ دانشجو بود که ۲۲۳ پرسشنامه برگشت داده شده است.

آنها در پایان این مقاله درج می‌شود، و همین‌طور بهره‌گیری از نظرات پژوهشگر این مقاله که سال‌ها تجربه تدریس این درس را در دانشگاه‌های مختلف کشور داراست، عملیاتی می‌شود. در این نظرسنجی، از ابزار پرسشنامه، اعم از نوع باز و نسبتاً بسته، استفاده شده است. در پرسشنامه نوع باز، از دانشجویان و اساتید خواسته شد تا نظر خود را در مورد بندها و محورهای مندرج در سرفصل این درس بیان کنند. در پرسشنامه نوع نسبتاً بسته، سؤالات مشخصی در رابطه با سرفصل درس مطرح شده و از دانشجویان و اساتید درخواست شده تا دیدگاه خود را نسبت به این مباحث بیان کنند. لازم به ذکر است در هر دو مورد، به منظور آشنایی از کم و کیف این واحد درسی، سرفصل مصوب درس در اختیار دانشجویان قرار داده شد تا با آمادگی ذهنی بیشتری نسبت به بندها و محورهای مندرج در سرفصل این درس اظهار نظر کنند؛ این سرفصل به همراه پرسشنامه در انتهای این مقاله پیوست می‌شود.

در این پژوهش از مدل مثلثی استفاده شده است. در یک ضلع مثلث پژوهشگر و نویسنده مقاله قرار دارد و دو ضلع دیگر شامل دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها می‌شود. (ن.ک: تصویر شماره یک) نکته دیگر در مورد روش‌شناسی این پژوهش، استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. دانشگاه آزاد دولتی، هرکدام به عنوان یک خوشه در نظر گرفته شده‌اند. اصطلاح خوشه، در روش‌شناسی نمونه‌ای، به صورت هر واحد نمونه‌گیری که بتوان یک یا چند واحد فهرست‌برداری را با آن همراه کرد، تعریف می‌شود. واحد می‌تواند دارای ماهیت جغرافیایی، زمانی یا مکانی باشد. نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای، مناطق جغرافیایی گسترده‌ای را شامل می‌شود. نمونه‌ها در چندین مرحله و به صورت روشمند انتخاب می‌شوند.^(۱)

در آخر، دلایل انتخاب پنج دانشگاه مختلف در نمونه‌گیری برای این نظرسنجی بیان می‌شود. دانشگاه تهران به این دلیل انتخاب شده که به عنوان دانشگاه مادر در رشته علوم سیاسی شناخته می‌شود و رشته علوم سیاسی در ایران، ابتدا در دانشگاه تهران پا گرفت. دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی نیز به عنوان یکی از دانشگاه‌های پایه غیردولتی پس از انقلاب اسلامی در این رشته شناخته می‌شود. سه

دانشگاه در شهرستان‌های مختلف نیز دانشگاه مازندران، یزد و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، به دلیل گسترده بودن حوزه این نظرسنجی در نظر گرفته شدند. به دلیل تعدد دانشجویان دانشگاه‌های تهران و آزاد اسلامی تهران مرکزی، برای هر کدام از این دو دانشگاه، ۹۰ پرسشنامه، و برای سه دانشگاه دیگر، هر کدام ۴۰ پرسشنامه ارسال شد.



بررسی نظری

امروزه ما در سطح بین‌المللی با آموزشی روبه‌رو هستیم که در آن نقش ساختار آموزش، کارکردها و اصول و مبانی حاکم بر آن به شکل نوینی تعریف و بازسازی شده و می‌تواند کارکرد خود را با توجه به نیازهای روز جامعه تغییر دهد. ساختار مورد نظر در مرحله اول شامل اصول حاکم بر آموزش، تعریف و نقش‌های آن، کارکردهای آموزش و تناسب آن با انتظارات جامعه، و در مرحله دوم کیفیت تعاملات انسانی در درون این ساختار است. در واقع، هر دوی اینها نیازمند تغییر و تحولاتی بر اساس رویکردهای نوین است.^(۳)

نقش آموزش در توسعه کشور: بحث پیرامون توسعه یا توسعه‌نیافتگی در میان مباحث علوم انسانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بیشتر نظریات توسعه به نوعی تلاش کرده‌اند تا جوابی شایسته و درخور برای این پرسش بیابند که چرا برخی از کشورها و جوامع توسعه یافته‌اند و در همان حال عده بی‌شمار دیگری، از مزایای توسعه‌یافتگی محروم مانده و در زمره جوامع توسعه‌نیافته جای می‌گیرند؟

با نگاهی به ساختارهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ایران می‌توانیم دریابیم بخش عمده‌ای از این ساختارها، سنتی، دچار نابسامانی و ابهام کارکردی بوده به گونه‌ای که نه تنها امکان راهبری، تولید اندیشه و عقلانیت علمی و عملی را ندارند بلکه برخی از آنها عملاً به مثابه موانع توسعه عمل می‌کنند؛ لذا نمی‌توان از یک نهاد نابسامان و دست کم توسعه‌نیافته انتظار معجزه و تولید اندیشه‌ای توسعه‌ای و درخور جامعه‌ای مدرن داشت.^(۳) بر همین اساس می‌توانیم بگوییم عمده‌ترین نهادی که می‌تواند بستر و زمینه‌های نرم‌افزاری توسعه را فراهم کند، آموزش است زیرا آموزش در درجه اول مهارت‌ها، نگرش‌ها و ایستارهای لازم را برای رشد و توسعه همه‌جانبه و پایدار ایجاد کرده و در درجه دوم قابلیت‌های لازم را برای سازگاری و انعطاف در برابر رویکردهای جدید و تغییرات تکنولوژیکی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را فراهم می‌سازد.^(۴)

بخش اعظم برنامه‌ریزی برای آموزش توسعه‌محور، بر عهده نهاد آموزش عالی است. مأموریت‌ها و کارکردهای آموزش عالی اصولاً تحت تأثیر دو مؤلفه اصلی یعنی ضرورت‌های جامعه در ابعاد مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نیز نگرش‌ها و فلسفه اجتماعی حاکم بر جامعه شکل می‌گیرند. مسئولیتی که امروزه آموزش عالی در مقابل سطوح مختلف نظام آموزشی بر عهده دارد، سیاست‌گذاری و تدوین خط مشی جامع برای توسعه جامعه است.^(۵) می‌توان موانع آموزش توسعه‌محور در کشورهای جهان سوم از جمله ایران را به شرح زیر برشمرد:

۱. پایین بودن کیفیت برنامه‌های آموزشی؛
۲. ناکارآمدی برنامه‌های آموزشی در دنیای معاصر؛
۳. فقدان رابطه بین آموزش و اشتغال؛
۴. اولویت بحث نظری بر بحث‌های عملی و کاربردی؛
۵. محتوای آموزشی ناکارآمد، قدیمی و غیر توسعه‌ای و سلیقه‌ای؛
۶. کمیت‌گرایی افراطی و فراموش کردن کیفیت؛
۷. عدم مشارکت واقعی دانشجویان در فرایند تصمیم‌گیری‌های آموزشی؛
۸. نگاه غیرعلمی و سلیقه‌ای به معضلات آموزش؛

۹. بوروکراسی ناکارآمد و فرایند تصمیم‌گیری‌های متمرکز.^(۶)

برای اینکه نهادهای آموزشی نظیر دانشگاه‌ها بتوانند راهبری جامعه را برای گذار از سنت به مدرنیته به عهده گیرند تا جامعه با هزینه‌های بسیار کمتری این مرحله گذار را طی کند، باید تغییراتی در ساختار و محتوای خود ایجاد کنند.^(۷) کلید معمای توسعه ایران، نظام آموزش است که در صورت ایجاد تغییرات کارآمد می‌تواند به مثابه عامل و کارگزار اصلی توسعه عمل کند. در حقیقت پاشنه آشیل توسعه‌نیافتگی ایران را باید در نظام کنونی آموزشی و دانشگاه‌ها جستجو کرد؛ لذا اصلاح نهادهای آموزشی به معنای راه بردن و ورود به مدخل دلایل توسعه‌نیافتگی ایران است.^(۸)

لزوم نیازسنجی در مسائل آموزشی: نیازسنجی به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در بسیاری از حوزه‌ها که با برنامه‌ریزی و تدارک پیشاپیش برای دستیابی به اهداف و مقاصد معینی سروکار دارند، از دیرباز مورد توجه بوده است. تعلیم و تربیت نیز به عنوان حوزه‌ای که در صدد ارائه خدمات آموزشی مختلف به جامعه و افراد است، به نحو بارزی با مقوله بررسی نیازها گره خورده است. نیازسنجی به عنوان فرایند جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات که بر اساس آن نیازهای افراد، گروه‌ها و جوامع مورد شناسایی قرار می‌گیرد، قدمتی به اندازه خود تعلیم و تربیت و یا در واقع خود انسان دارد. به این اعتبار جوامع بشری برای تربیت و آماده‌سازی نسل، همواره نظامی را هرچند به طور سنتی تدارک می‌دیده‌اند و برنامه‌های آموزشی را بر اساس آنچه به عنوان نیاز در نظر گرفته می‌شد، تدوین می‌کرده و به بوت‌عمل می‌گذاشته‌اند و متناسب با تغییر و تحولات اجتماعی که در نتیجه آن، هدف‌ها و نیازهای جدیدی مطرح می‌شد، برنامه‌ها و طرح‌های نوینی را دنبال می‌کرده‌اند.^(۹)

اگر نیاز را به مثابه خواست افراد تلقی کنیم، بنا به ضرورت باید در فرایند نیازسنجی، تلاش‌های خود را معطوف به تعیین و مشخص ساختن برداشت و نظرات افراد کنیم. برای مثال برای بررسی نیازها در حوزه آموزش باید نقطه نظرات و دیدگاه‌های گروه‌هایی مانند استادان، دانشجویان و متخصصان رشته مربوطه را به عنوان مبنای برنامه‌ریزی تلقی کنیم.

هنگامی که نیازهای معینی شناسایی و اولویت‌بندی می‌شوند، ممکن است

گروه نیازسنجی بر مبنای معیارهای معینی نظیر سیاست‌ها و اهداف سازمانی یا ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی یا سیاسی معینی، در خصوص نیازهای دارای اولویت، داوری کنند و ترکیب و اولویت‌های به‌دست‌آمده را تعدیل کنند.^(۱۰)

یکی از بحث‌های اساسی در حوزه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، ضرورت تناسب برنامه‌های موجود با نیازها و مسائل فردی و گروهی است. از آنجا که شرایط به دلیل تغییرات مداوم در ساختار اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در هر جامعه متحول می‌شود؛ ضروری است تا در برنامه‌ها تجدیدنظر به عمل آید و هماهنگی و همسویی آن با شرایط متحول‌شده، همواره حفظ شود. اصل مهم ارزیابی، گردآوری اطلاعات و کشف علل مسائل و مشکلات است. ضرورت‌های کلی انجام ارزیابی، شامل ایجاد زمینه‌های لازم برای بهبود بخشیدن مداوم به برنامه‌های آموزشی، بررسی میزان تحقق اهداف و مقاصد تعیین‌شده، رفع نقایص و ارائه راه‌حل‌های مناسب، و کمک به بالا بردن میزان کارایی برنامه می‌شود.^(۱۱) می‌توان گفت دلیل اصلی توجه به نیازسنجی در برنامه درسی، کمک به افزایش کارایی و اثربخشی برنامه درسی است.^(۱۲)

مشارکت گروه‌های مختلف ذی‌ربط نظیر استادان، دانشجویان، کارشناسان و برنامه‌ریزان در برنامه‌ریزی آموزشی، از دیگر مسائل قابل توجه است. دریافت نقطه نظرات مختلف و تجزیه و تحلیل منطقی‌تر، منجر به جهت‌گیری کارآمدتری در طراحی و اجرای برنامه‌ها می‌شود.

در پایان باید گفت، به‌رغم سابقه بیش از ۷۰ سال آموزش عالی در کشور، کامل نبودن موفقیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در جامعه امروز ما و فقدان یا کم‌رنگی نقش بنیادهای آموزشی و پژوهشی در تعامل با نهادهای تصمیم‌گیرنده برای تولید علم و تحلیل اطلاعات، فضای مجهول تصمیم‌گیری و ضعف در ارائه راهکارها و پیشنهادهای مناسب برای پیشگیری از هزینه‌گزاران جریان سنتی تجربه و خطا، نشان از خلأ حضور سازوکارهای لازم و نبود ارتباط منطقی و بنیادین بین نظام آموزش و نیازهای جامعه دارد. چنین فاصله‌های چالش‌های اساسی را برای ساختار و نظام آموزش و بالطبع برای نظام‌های سیاسی، فرهنگی، تجاری و اقتصادی کشورهای در حال توسعه فراهم آورده و

کشور ما نیز از گزند این چالش‌ها در امان نیست. عمق و گستردگی مشکلات یادشده چه در بُعد خرد و چه در بُعد کلان ساماندهی مجدد دانسته‌ها، بازسازی شناخت فعلی و تحلیل مجدد فرصت‌ها و تهدیدها و چالش‌های فرا روی جوامع در حال توسعه را ضروری می‌سازد. در چنین شرایطی مطالعه شرایط موجود برای بازنگری و تدوین مجدد اهداف و راهکارها به منظور نهادینه کردن سازوکارهای نظام آموزش، به‌ویژه در حوزه آموزش عالی، از مهم‌ترین و حیاتی‌ترین جنبه‌های هویت دادن به شخصیت و تمدن جامعه است.

تغییرات در نظام آموزش ایران پس از پیروزی انقلاب

برای اینکه یک جامعه به سامان برسد گریزی نیست جز اینکه نظام و سیستم آموزشی آن برای پرورش افراد کارآمد و توسعه‌خواه، از چهارچوبی مشخص و منطبق بر معیارهای کارآمد در جهان پیروی کند. مهم‌ترین پرسشی که در برابر نظام آموزشی عالی بعد از انقلاب اسلامی قرار دارد این است که آیا نظام آموزشی ما در راستای کارکردهایی که برای یک نظام آموزشی کارآمد تعریف می‌شود، قرار دارد یا خیر؟

بعد از انقلاب اسلامی و تحولات اجتماعی ناشی از آن، نهاد آموزش در ایران مانند سایر نهادهای اجتماعی دچار دگرگونی شد و تا مدت‌ها جایگاه خود را در کل نظام پیدا نکرد، زیرا ارزش‌ها، منزلت و نقش‌های اجتماعی تغییر کرده بود و این نهاد باید خود را با چهارچوب‌های نظام جدید منطبق و متعادل می‌ساخت. در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی نخستین هدفی که دنبال می‌شد، متوقف کردن آموزش ایدئولوژیک سیاسی به سبک و سیاق نظام گذشته بود؛ یعنی نظام آموزشی که سعی می‌کرد در خدمت ایدئولوژی نظام شاهنشاهی باشد، به این ترتیب تغییر یافت.^(۱۳)

یکی از مهم‌ترین تحولات فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، تلاش برای درونی‌سازی ارزش‌های انقلاب اسلامی در ساختارهای آموزشی و پژوهشی کشور است. این مسئله که در قالب انقلاب فرهنگی پیگیری شد، سبب تغییرات ماهوی و صوری در رشته‌های دانشگاهی و به‌ویژه در علوم انسانی در ایران

شده است. در این میان اگرچه بسیاری از رشته‌های دانشگاهی دستخوش برخی تغییرات ساختاری شده‌اند، اما علوم انسانی به سبب اهمیت جایگاه آن در ساخت تمدنی بومی و اسلامی مورد توجه جدی‌تری قرار گرفته است؛ از سوی دیگر با توجه به تحولات آموزش در عصر پیشرفت دیجیتالی و انفجار دانش، برخی روش‌ها و نگرش‌های سنتی در علوم انسانی، نیازمند تغییرات نوینی در راستای تولید دانش در عصر جهانی‌شده کنونی است تا تمدن‌سازی اسلامی - ایرانی، برون‌داد نظام آموزش در ایران باشد.^(۱۴)

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سیستم آموزشی ایران اعم از آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و رشته‌های مختلف تحصیلی مورد بازنگری قرار گرفت. در این میان رشته‌های علوم انسانی به عنوان محور تغییرات نوین در ساختارهای آموزشی با تغییرات بیشتری همراه بود. این تحولات، با انقلاب فرهنگی از اوایل سال ۱۳۵۹ به اوج خود رسید. در این میان مهم‌ترین هدف انقلاب فرهنگی، بازنگری بنیادین در نظام آموزش عالی کشور به‌ویژه در حوزه علوم انسانی بود زیرا به باور غالب در آن دوره، پایه و اساس علوم انسانی که در آغاز انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها تدریس می‌شد، غربی و غیربومی بود و باید با علوم انسانی اسلام‌محور، جایگزین می‌شد. از میان دروس دانشگاهی به تناسب میزان وابستگی آنها به غرب، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی بیشتر از سایر دروس مورد نقد و بررسی قرار گرفت و بر ضرورت تغییر محتوای آن تأکید شد.^(۱۵)

یکی از بخش‌هایی که در انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها به وجود آمد شورای عالی برنامه‌ریزی زیر نظر ستاد انقلاب فرهنگی بود که برنامه‌های درسی را تنظیم می‌کرد. با تصویب برنامه‌ها امکان یک‌دست شدن برنامه‌های درسی در همه دانشگاه‌های کشور فراهم شد.^(۱۶)

بر این اساس انقلاب فرهنگی به دنبال تبدیل ماهیت آن در قالب اسلامی - بومی برآمد تا از این طریق به درونی‌سازی ارزش‌های انقلاب بپردازد. انقلاب فرهنگی اگرچه زمینه تغییرات اساسی را در ساختار سازمانی، متون و برنامه‌های درسی، کارکردها و رویکردهای آموزش و پژوهش در علوم انسانی به وجود آورد اما با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی و تغییر شرایط جهانی، بسیاری از همان

سرفصل‌های آموزشی همچنان بلا تغییر باقی مانده و مورد تجدید نظر قرار نگرفته است؛^(۱۷) بنابراین برای بهبود کیفیت عملکرد مؤسسات آموزش عالی باید راهکارهای بهینه‌ای به منظور تضمین کیفیت در آنها در نظر گرفته شود. روزآمدی، کیفیت‌بخشی و غنی‌سازی آموزش‌ها، سبب یادگیری مؤثر و سودمند می‌شود. در عصر ارتباطات، تلاش برای کاهش فاصله با دنیای توسعه‌یافته از راه آموزش‌های مطلوب صورت می‌گیرد. بدیهی است این مهم نیاز به یک پشتوانه نیرومند و همه‌جانبه مطالعاتی، تحقیقاتی و آموزشی دارد.^(۱۸)

علاوه بر این، سرفصل‌های کنونی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در دهه ۱۳۶۰ به تصویب رسیده است. قطعاً طی حدود دو دهه، جهان دچار تغییرات شگرفی از نظر ساختار آموزش شده است؛ بنابراین ضروری است این عقب‌ماندگی جبران شود؛ بنابراین باید طرحی اندیشید تا هدف کلان آن ارائه مدل مناسبی برای بازنمایی حدود این آثار نامطلوب و اختلال ناشی از آن باشد و بتواند پاسخ مناسبی برای این سؤال فراهم آورد که چرا گسترش آموزش عالی، توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مورد انتظار را به همراه نداشته است؟ با توجه به اینکه دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی بیش از هر نهاد دیگری به مسائل آموزشی واقف هستند، بنابراین بیش از دیگران شایستگی ارائه طرح‌های لازم را در این زمینه دارند.

بررسی پیمایشی درس سیاست خارجی

متن پرسشنامه از دانشجویان که در پیوست ۲ قابل ملاحظه است، ناظر بر ۱۰ پرسش اصلی و برخی سؤالات جزئی‌تر است. سؤالات در ارتباط با «عنوان درس»، «تعداد واحد و نوع این درس»، «اهداف»، «سرفصل‌ها»، «خلأها» و «پیشنهادها» تهیه و تنظیم و به دانشجویان و اساتید محترم ارائه شده که نتایج یافته‌ها در ادامه مورد طرح و بررسی قرار می‌گیرد:

الف - عنوان درس

نظر دانشجویان: از میان پرسش‌شوندگان نسبت به عنوان این درس، یعنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ۵۹/۱۹ درصد (۱۰۳ نفر) عنوان این درس را

مناسب و ۴۰/۸۰ درصد (۷۱ نفر) عنوان این درس را نامناسب می‌دانند. همچنین ۳۸/۵۰ درصد (۶۷ نفر) بازنگری کلی و ۶۱/۴۹ درصد (۱۰۷ نفر) بازنگری جزئی عنوان این درس را پیشنهاد می‌کنند. (۴۹ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

ملاحظات پیشنهادی و ضرورت‌های طرح‌شده از سوی دانشجویان برای اصلاح عنوان درس سیاست خارجی، در قالب عبارات‌های ذیل می‌گنجد:

- کلی بودن عنوان درس و نیاز به تفکیک آن؛
- تفکیک عنوان درس به دو قسمت «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، به عنوان درس نظری و مفهومی، و «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های مختلف»، به عنوان درس تاریخی و مقایسه‌ای (تطبیقی)؛

- تفکیک عنوان واحد درسی به «الف» و «ب»؛ به صورتی که در بخش «الف» به سیاست خارجی نظری و «ب» به سیاست خارجی عملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود.

نظر اساتید: ملاحظات پیشنهادی و ضرورت‌های مطرح‌شده از سوی اساتید برای اصلاح عنوان درس سیاست خارجی در قالب عبارات ذیل می‌گنجد:

- تغییر هدف‌گذاری از واژه دوران انقلاب به بعد از انقلاب اسلامی؛
- اضافه کردن تحولات برای برخورداری از صراحت بیشتر؛
- کلی بودن عنوان (تحت عنوان آن هر مطلبی را می‌توان گفت)؛
- مشخص و زمان‌مند کردن بررسی سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی؛
- تفکیک این واحد درسی به دروس دیگر از جمله «نظریه‌های سیاست خارجی» و «بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»؛
- انتخاب عنوانی کاربردی‌تر برای بررسی و تحلیل سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران.

ب - تعداد و نوع واحد درس

نسبت به تعداد و نوع واحد درسی که بر اساس مصوبه وزارت علوم «۳ واحد درسی» و نوع واحد درسی «نظری» و «بدون پیش‌نیاز» در نظر گرفته شده است، نتایج حاکی است از میان پاسخگویان ۳۵/۱۶ درصد (۶۴ نفر) تعداد واحد درسی را نامناسب و ۶۴/۸۳ درصد (۱۱۸ نفر) مناسب می‌دانند. ۷۱/۹۷ درصد (۱۳۱ نفر) با افزایش تعداد واحد و ۸/۷۹ درصد (۱۶ نفر) با کاهش واحدهای این درس موافق هستند (۴۱ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

در مورد نوع واحد درسی، ۸۴/۰۷ درصد (۱۳۲ نفر) از دانشجویان نوع واحد درسی را نامناسب و ۱۵/۹۲ درصد (۲۵ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۶۶/۲۴ درصد (۱۰۴ نفر) با بازنگری کلی و ۲۹/۲۹ درصد (۴۶ نفر) با بازنگری جزئی نوع واحد درسی موافقت (۶۶ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

در مورد پیش‌نیاز درس، ۶۴/۳۹ درصد (۱۲۳ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۳۵/۶۰ درصد (۶۸ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۵۹/۶۸ درصد (۱۱۴ نفر) با بازنگری کلی این مبحث و ۴۰/۳۱ درصد (۷۷ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (۳۲ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

در مورد جایگاه درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در ذیل دروس اصلی علوم سیاسی در مقطع لیسانس، ۷/۴۶ درصد (۱۵ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۹۲/۵۳ درصد (۱۸۶ نفر) آن را مناسب می‌دانند (۲۲ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان در این قسمت شامل موارد زیر است:

- افزایش واحد درسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
- اضافه کردن پیش‌نیاز به آن به منظور آشنایی بیشتر دانشجویان با ابعاد مختلف سیاست خارجی و بالا بردن قدرت دانش و تحلیل آنها؛
- اضافه کردن واحدی تحت عنوان مقایسه تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها به عنوان پیش‌نیاز؛
- گذراندن واحدهای درسی «مبانی علم سیاست» و «تاریخ روابط خارجی

ایران ۱ و ۲» به عنوان پیش‌نیاز درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛

■ تفکیک این درس به واحد نظری و عملی. در این صورت دانشجویان می‌توانند از نزدیک با نحوه عملکرد دستگاه‌های سیاست خارجی کشور آشنا شوند. نظر اساتید: ملاحظات پیشنهادی و ضرورت‌های مطرح شده از سوی اساتید در این خصوص بدین شرح است:

■ اختصاص دو واحد آموزشی دیگر در این زمینه به تجزیه و تحلیل سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب؛

■ اختصاص ۴ واحد در قالب دو درس مجزا و مرتبط با هم به صورت دروس پیش‌نیاز و اصلی؛

■ «عملی» و «کاربردی» بودن این درس با توجه به محتوا (نباید به بررسی‌های نظری محدود شود)؛

■ ارائه این درس به صورت تلفیقی از نظری - عملی (با توجه به هدف‌گذاری درس)؛

■ ایجاد زمینه‌بازدید از مراکز اجرایی سیاست خارجی و کارورزی، به دلیل صبغه عملی این واحد درسی؛

■ عملی و کاربردی بودن عمده مباحث سیاست خارجی ایران طی سی سال بعد از انقلاب؛

■ امکان قرار گرفتن دروس زیر تحت عنوان پیش‌نیاز این درس: اصول روابط بین‌الملل ۱ و ۲، دیپلماسی، تاریخ روابط خارجی ایران، انقلاب اسلامی ایران، تجزیه و تحلیل سیاست خارجی، نظریه‌های سیاست خارجی.

ج - هدف درس

برنامه‌ریزان درسی در هدف‌گذاری درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به نکات ذیل اشاره دارند:

«بررسی کلی اصول سیاست خارجی ایران در دوران انقلاب و ویژگی‌ها و تغییرات آن و اهمیت این درس برای دانشجویانی که قصد خدمت در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را دارند بسیار زیاد است».

نتایج پرسشنامه حاکی است ۸۱/۸۱ درصد (۱۴۴ نفر) از دانشجویان اهداف

طرح شده برای این درس را نامناسب و ۱۸/۱۸ درصد (۳۲ نفر) آنها را مناسب می‌دانند. ۶۳/۰۶ درصد (۱۱۱ نفر) بازنگری کلی و ۳۶/۹۳ درصد (۶۵ نفر) بازنگری جزئی اهداف این درس را الزامی می‌دانند (۴۷ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

ملاحظات پیشنهادی و ضرورت‌های مطروحه از سوی دانشجویان برای اصلاح هدف درس سیاست خارجی در قالب عبارات ذیل می‌گنجد:

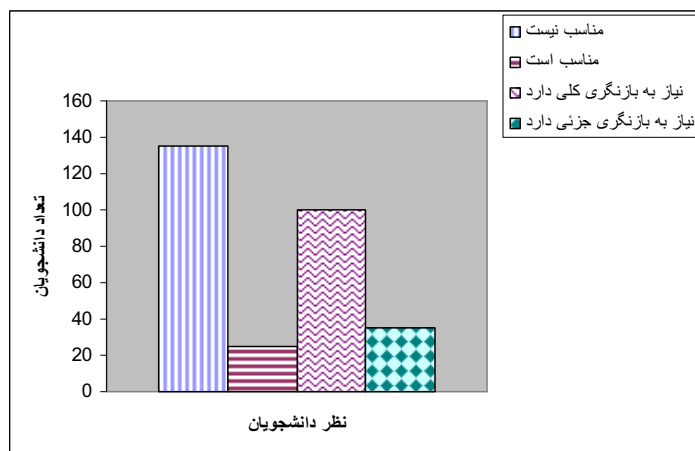
- ضرورت توجه به گذر زمان و سه دهه تأسیس نظام جمهوری اسلامی در ایران و تحولات متعاقب آن در شیوه و محتوای هدف‌گذاری؛
- تعدیل واژه «کلی» (بررسی کلی اصول سیاست خارجی ایران می‌تواند یکی از آفت‌های مهم این درس باشد)؛

- ضرورت بررسی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
- فهم دوره‌های مختلف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
- نادیده گرفتن تحولات داخلی و در نتیجه شکل‌گیری طبقه‌بندی جدیدی از اهداف و منافع ملی؛
- غفلت از تحولات شتابان بین‌المللی در سطح نظام بین‌الملل؛
- محدودسازی اهداف این درس به دوران انقلاب و ویژگی‌ها و تغییرات آن؛
- کم‌توجهی و غفلت از آموزش مهارت‌های تحلیلی - تبیینی؛
- تبیین ایستارها و روابط نهادهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی؛
- رویکرد تقلیل‌گرایانه و محدود به آموزش کادرهای آینده وزارت امور خارجه؛

- همزادپنداری سیاست خارجی و وزارت امور خارجه؛
- جمله‌بندی نامناسب و نارسا؛
- ضرورت رئال بودن اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه به شرایط محیط بین‌المللی.

نمودار شماره ۱. نظر دانشجویان نسبت به «عنوان»، «تعداد و نوع واحد» و «هدف» درس سیاست خارجی

جمهوری اسلامی ایران



نظر اساتید: ■ ضرورت تغییر و اصلاح هدف‌گذاری به دلیل تبیین آن در سال‌های گذشته؛

■ هدف‌گذاری تبیین سیاست خارجی و فهم آن و همچنین یاد دادن ابزار تجویز به دانشجویان؛

■ آشنایی با اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر اساس قانون اساسی؛

■ آگاهی از عملکرد سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب در دولت‌های مختلف؛

■ وسیع‌تر کردن دامنه اهداف؛

■ بررسی ویژگی‌های سیاست خارجی و تحولات، عملکرد، تأثیرگذاری، تطابق عمل با اهداف در دوره‌های مختلف آن از یک سو و از طرف دیگر پرداختن به سیاست خارجی ایران در عرصه بین‌الملل از جمله جهانی شدن، خاورمیانه جدید و تحولات نظام بین‌الملل؛

■ اهمیت داشتن این درس برای همه تصمیم‌گیرندگان سیاسی؛

■ قرار دادن شناخت تحولات سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی به

عنوان هدف درس؛

- قرار دادن ارزیابی کارکردی دستگاه دیپلماسی ایران بعد از انقلاب اسلامی به عنوان هدف درس؛
- کمک به شناخت بهتر مقوله سیاست خارجی برای بررسی و تحلیل بهتر سیاست خارجی به عنوان یکی از مهم‌ترین حوزه‌های شناخت در حوزه روابط بین‌الملل به عنوان یکی از اهداف درس؛
- در نظر گرفتن اهمیت این درس برای کارهای پژوهشی، تحلیلی و یا مطبوعاتی؛
- هدف‌گذاری بررسی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران برای این درس؛
- آشنایی با نهادهای تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران؛
- بررسی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی ایران در مقاطع مختلف بعد از انقلاب؛
- ارزیابی تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره‌های پس از انقلاب؛
- تحلیل نظری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از نظریه‌های مختلف و شناسایی نظریه‌های مناسب برای تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
- محدود نکردن آن به دانشجویانی که می‌خواهند به وزارت خارجه بروند؛
- ارتقای آگاهی‌های تخصصی در بین دانشجویان علوم سیاسی به عنوان هدف.

د - بررسی بندها و محورهای مندرج در سرفصل درس

۱. اصول سیاست خارجی

نخستین بند پیش‌بینی‌شده در سرفصل درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی «اصول سیاست خارجی» است.

تعداد ۸۶/۱۳ درصد (۱۷۴ نفر) دانشجویان این بند از سرفصل را مناسب و

۱۳/۸۶ درصد (۲۸ نفر) آن را نامناسب می‌دانند. همچنین ۵۸/۹۱ درصد (۱۱۹ نفر) بازنگری کلی و ۴۱/۰۸ درصد (۸۳ نفر) بازنگری جزئی در این محور درسی را ضروری می‌دانند (تعداد ۲۱ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند). نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان و اساتید در مورد این سرفصل عبارت است از:

- وجود ابهام در این بند؛
- طرح زود هنگام آن؛
- فقدان تمهید مقدمه، طرح مسئله، اهمیت و تعریف موضوعی؛
- غیروشمند بودن طرح بندها؛
- نیاز به تبیین رویکرد تاریخی؛
- رویکرد کلی به موضوع؛
- تعریف ویژگی‌ها و اصول سیاست خارجی از جزئیات به کلیات.

۲. قانون اساسی و سیاست خارجی

۵۹/۵۰ درصد (۹۷ نفر) از دانشجویان این سرفصل را مناسب نمی‌دانند و ۴۰/۴۹ درصد (۶۶ نفر) این سرفصل را مناسب می‌دانند. همچنین ۴۲/۳۳ درصد (۶۹ نفر) با بازنگری کلی این بند و ۵۷/۶۶ درصد (۹۴ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (تعداد ۶۰ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

ملاحظات پیشنهادی و ضرورت‌های طرح شده از سوی دانشجویان و اساتید برای اصلاح این بند در قالب عبارات ذیل می‌گنجد:

- مطرح شدن این بند به صورت مقایسه‌ای؛
- هم‌پوشانی با درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
- بررسی سیاست خارجی در قوانین عادی پس از انقلاب؛
- ایستایی و پویایی ناپذیری آن؛
- پرداختن به این بند در واحد درسی جداگانه و یا در واحد درسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- نبود تناسب موضوعی میان قانون اساسی و سیاست خارجی و

انعطاف‌ناپذیری آن؛

■ نبود ارتباط عملیاتی گسترده میان قانون اساسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی ثابت فرض می‌شود، درحالی‌که سیاست خارجی متغیر و دارای عناصر متحول‌شونده است. به این ترتیب، پرداختن به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر قانون اساسی کشور، تنها پرداختن به بخشی از واقعیت است).

۳. سیاست نه شرقی و نه غربی

در مورد این بند، ۸۷/۸۷ درصد (۱۷۴ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۱۲/۱۲ درصد (۲۴ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۸۱/۸۱ درصد (۱۶۲ نفر) با بازنگری کلی آن و ۱۸/۱۸ درصد (۳۶ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (۲۵ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

در این نظرسنجی، نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان و اساتید شامل موارد زیر است:

■ تکیه بر اصول ایستا؛

■ بررسی این بند در مبحث سیاست خارجی (با توجه به مباحث مطرح‌شده به نظر می‌رسد سیاست نه شرقی و نه غربی می‌تواند ذیل سرفصل قانون اساسی و سیاست خارجی که در بند پیشین مورد بررسی قرار گرفت، مطرح گردد و ضرورتی برای مطرح کردن آن به‌عنوان سرفصل مستقل وجود ندارد.

■ پیگیری سیاست مستقل ملی با توجه به تحولات حادث‌شده در عرصه روابط بین‌الملل؛

■ تحلیل گفتمانی سیاست خارجی ایران؛

■ بررسی مبانی عقیدتی حاکم بر سیاست خارجی ایران در دوران‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی؛

■ ارزیابی عملی این سرفصل؛

■ بهره‌گیری از ادبیات نفی‌گرایانه و رویکرد منفی به جهان؛

■ ناکارایی و غیرممکن بودن آن، با توجه به فروپاشی بلوک شرق و شرایط

جهان امروز و همچنین حاکمیت تدریجی عقلانیت در مجموعه‌های سیاسی؛

- ضرورت بهره‌گیری از ادبیات تعاملی؛
- ضرورت حذف این بند به دلیل شعارگونه بودن آن؛
- کم‌توجهی به تحولات جهانی.

۴. ویژگی‌ها و تغییرات سیاست خارجی

در مورد این بند، ۲۶/۷۷ درصد (۴۹ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۷۳/۲۲ درصد (۱۳۴ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۲۷/۳۲ درصد (۵۰ نفر) با بازنگری کلی آن و ۷۲/۶۷ درصد (۱۳۳ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (تعداد ۴۰ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

دیدگاه‌ها و نظرات دانشجویان و اساتید در مورد این بند از سرفصل درس سیاست خارجی شامل موارد زیر می‌شود:

- کلی‌نگری به موضوع و ضرورت جزئی‌نگری بیشتر به آن؛
- تحول گفتمان‌های سیاست خارجی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛
- قابل بیان و تحلیل بودن این سرفصل در بندهای دیگر؛
- جایگزین کردن عوامل مؤثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی در ایران، بررسی بازیگران و عوامل ذی‌نفوذ در شکل‌گیری سیاست خارجی ایران؛ بررسی سیاست خارجی ایران در دوران‌های مختلف پس از انقلاب اسلامی (دولت موقت، دوران جنگ، دوران سازندگی، دوران تنش‌زدایی، دوران اصول‌گرایی)، به جای این سرفصل.
- برجسته‌سازی تغییر و مغفول ماندن اصل ثبات در سیاست خارجی.

۵. عقیدتی‌شدن سیاست خارجی

در مورد این بخش، ۸۶/۰۳ درصد (۱۵۴ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۱۳/۹۶ درصد (۲۵ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۸۳/۲۴ درصد (۱۴۹ نفر) با بازنگری کلی آن و ۱۶/۷۵ درصد (۳۰ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (۴۴ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

ملاحظات پیشنهادی و ضرورت‌های طرح‌شده از سوی دانشجویان و اساتید

برای اصلاح این بند در قالب عبارات ذیل می‌گنجد:

- نامناسب بودن جایگاه این عنوان؛
- ایدئولوژیک بودن بیش از حد این عنوان؛
- بررسی علل، زمینه‌ها و پیامدهای آن؛
- تغییر این سرفصل به نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی؛
- تغییر این سرفصل به نگرش‌های مختلف و دیدگاه‌های گوناگون تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران؛
- تضاد این بند با ماهیت سیاست خارجی؛
- ناکارآمدی این بند در شرایط متحول حاکم بر جهان امروز؛
- ناکارایی این عنوان با توجه به سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف.

۶. خروج از بلوک غرب و وارد شدن به بلوک کشورهای غیرمتعهد

در مورد این بند، ۷۸/۹۱ درصد (۱۳۱ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۲۱/۰۸ درصد (۳۵ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۷۷/۱۰ درصد (۱۲۸ نفر) با بازنگری کلی آن و ۲۲/۸۹ درصد (۳۸ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (۵۷ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان و اساتید در مورد این سرفصل بدین شرح هستند:

- فروپاشی بلوک غرب در مفهوم سنتی آن؛
- ناکارآمدی آن در شرایط امروز؛
- ثابت‌نگری در این عنوان؛
- بررسی علل خروج، پیامدهای خروج، دستاوردها و مزیت‌های ورود به غیرمتعهدها در قالب سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران بعد از دوران دوقطبی؛
- تغییر عنوان سرفصل به سیاست عدم تعهد و انقلاب‌گرایی در سیاست خارجی ایران؛
- تغییر این سرفصل با توجه به تغییر شرایط جهانی (عنوان قدیمی است)؛

- ناکارایی و انسجام بلوک کشورهای غیرمتعهد؛
- تضاد این عنوان با منافع ملی کشور؛
- بی‌توجهی به شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل؛
- جهت‌گیری ایدئولوژیک این عنوان؛
- ضرورت تعامل با جهان توسعه‌یافته (غرب).

۷. کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش

در مورد این بند از سرفصل درس سیاست خارجی، ۶۲/۰۳ درصد (۱۱۶ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۳۷/۹۶ درصد (۷۱ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۶۸/۹۸ درصد (۱۲۹ نفر) با بازنگری کلی این بند و ۳۱/۰۱ درصد (۵۸ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (۳۶ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

نظرات و دیدگاه‌های دانشجویان و اساتید در مورد این بند از سرفصل، موارد زیر را دربرمی‌گیرد:

- توجه به تعاریف جدید از نهضت‌های آزادی‌بخش (امروزه برخی از این جنبش‌ها در زمره گروه‌های تروریستی محسوب می‌شوند و کمک به آنها جمهوری اسلامی ایران را در ردیف کشورهای حامی تروریسم قرار می‌دهد)؛
- ناکارآمد بودن این موضوع پس از فروپاشی نظام دوقطبی؛
- ثابت‌نگری در پرداختن به این بند؛
- توجیه‌ناپذیری حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش به عنوان اقدامی خلاف منافع ملی؛
- مناسب نبودن این بند در شرایط متحول امروز.

۸. نوسازی دستگاه دیپلماسی

در مورد این بند، ۱۸/۴۹ درصد (۳۲ نفر) از دانشجویان آن را مناسب نمی‌دانند و ۸۱/۵۰ درصد (۱۴۱ نفر) این سرفصل را مناسب می‌دانند. همچنین ۲۸/۳۲ درصد (۴۹ نفر) با بازنگری کلی آن و ۷۱/۶۷ درصد (۱۲۴ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (۵۰ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

ملاحظات پیشنهادی و ضرورت‌های طرح‌شده از سوی دانشجویان و اساتید برای اصلاح این عنوان در قالب عبارات ذیل می‌گنجد:

- ضرورت توجه به تقدم و تأخر این موضوع (این بند در سرفصل درس نیازمند جابه‌جایی است)؛
- قرار گرفتن شاخص‌های سنجش و ارزیابی عملکرد دستگاه دیپلماسی ایران در: الف) تا آغاز جنگ تحمیلی؛ ب) دوران جنگ؛ ج) دوران سازندگی؛ د) دوران اصلاحات؛ ه) دوره کنونی؛
- توجه به زمینه‌ها، اقدامات و پیامدها در این عنوان؛
- گنجاندن این سرفصل در قالب سرفصل‌های دیگر؛
- برجسته‌سازی تغییر و تحول و بی‌توجهی به ثبات، پایداری و استمرار دستگاه دیپلماسی؛
- عدم تعیین اهداف، ویژگی‌ها و محدوده تغییرات و نوسازی دستگاه دیپلماسی.

۹. عوامل مؤثر در ساخت تصمیم‌گیری سیاست خارجی و اجزای آن

برنامه‌ریزان درسی، موارد زیر را برای این بند در نظر گرفته‌اند:

«مکتب - ایدئولوژی	موقعیت اقتصادی و صنعتی
رهبری	فرایند اجرای سیاست خارجی
افکار عمومی	نقش قوه مقننه
گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار	نهادهای سیاست خارجی
عوامل نظامی و استراتژیک	مسائل سیاست خارجی»

در مورد این بند، ۶۰/۴۷ درصد (۱۰۱ نفر) آن را مناسب نمی‌دانند و ۳۹/۵۲ درصد (۶۶ نفر) آن را مناسب می‌دانند. همچنین ۶۵/۲۶ درصد (۱۰۹ نفر) با بازنگری کلی آن و ۳۴/۷۳ درصد (۵۸ نفر) با بازنگری جزئی آن موافقت (۵۶ نفر از دانشجویان به این پرسش پاسخ ندادند).

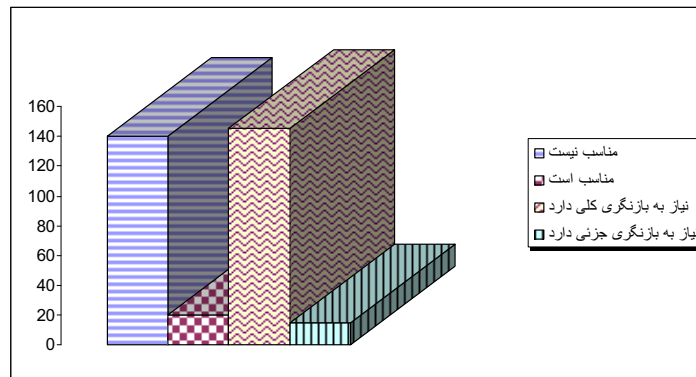
نظرات و دیدگاه‌های مطرح‌شده در مورد این بند از سرفصل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شامل موارد زیر می‌شود:

- ضرورت تفکیک حوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در سیاست خارجی؛
- ضرورت تفکیک حوزه تصمیم‌گیری با اجرای سیاست خارجی؛
- هدف‌گذاری پروسه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی؛
- ضرورت مشخص ساختن عوامل رسمی و غیررسمی در حوزه تصمیم‌سازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
- توجه به عوامل ذهنی و عینی در پروسه تصمیم‌گیری سیاست خارجی؛
- بی‌توجهی نسبت به تأثیر شرایط بین‌المللی بر حوزه تصمیم‌گیری سیاست خارجی؛
- بیان سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری در حوزه سیاست خارجی؛
- عدم پیش‌بینی منابع اصلی و کمکی در تصمیم‌گیری سیاست خارجی؛
- قرار گرفتن مسائلی مانند رابطه با آمریکا، گروگان‌گیری، ماجرای سلمان رشدی، یازده سپتامبر، مسائل هسته‌ای و غیره در این سرفصل؛
- تأکید بر منافع ملی در این قسمت؛
- ضرورت منطقی بودن چیدمان؛
- ضرورت تجدید نظر در مورد سه بند آخر: (۱) سه قوه می‌تواند مورد بحث قرار گیرد خصوصاً قوه مجریه که اساس اجرایی سیاست خارجی است؛ (۲) نهادها قدری مبهم است. می‌توان بوروکراسی یا سیاست بروکراتیک را بررسی کرد؛ (۳) مسائل سیاست خارجی نیز مبهم است؛
- تفکیک بندهای این سرفصل به دو بخش مجزا: «مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی ایران» و «نهادهای تأثیرگذار بر تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی ایران»؛
- به کار بردن واژه وضعیت به جای موقعیت در «موقعیت اقتصادی و صنعتی»؛
- ضرورت توجه به عامل دیپلماسی؛
- بی‌توجهی به ساختار تصمیم‌گیری سیاست خارجی ایران، قبل و بعد از انقلاب اسلامی؛
- اضافه کردن عاملی به عنوان منافع ملی در این بند؛

■ لزوم پيش بيني منابع قدرت منابع.

(به منظور بررسي ديده گاه هاي دانشجويان در مورد بندهاي ۱ تا ۹ سرفصل درس، ن.ک: نمودار شماره دو).

نمودار شماره ۲. نظر دانشجويان نسبت به محورها و سرفصل هاي درس سياست خارجي جمهوري اسلامي



نظرات و ديده گاه هاي كلي اساتيد نسبت به بندها و محورهاي سرفصل دروس، بدین قرار است:

■ تقسيم بندي سرفصل ها به ۴ مورد: بخش اول: شامل مباحث نظري سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران (در اين بخش حتماً بايد عوامل مؤثر بر سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران توضيح داده شود)؛ بخش دوم: شامل اصول و اهداف سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران؛ بخش سوم: مراحل سياست خارجي يعني ۱) چگونگي تدوين سياست خارجي، ۲) چگونگي تصميم سازي و تصميم گيري سياست خارجي، ۳) اجراي سياست خارجي، ۴) بازتاب سياست خارجي و ارزيابي آن؛ بخش چهارم: مطالعه بخش هاي در سياست خارجي مانند سياست هسته اي ايران يا سياست ايران در خليج فارس وغيره؛

■ وجود انسجام بيشتري بين سرفصل هاي ارائه شده؛

■ اضافه کردن سرفصل هاي جديد تحت عنوان: اهداف سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران؛ گفتمان هاي سياست خارجي جمهوري اسلامي ايران؛ منابع

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مؤلفه‌های تأثیرگذار در تصمیم‌گیری و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ ایدئولوژی و سیاست خارجی؛ تغییرات صورت‌گرفته در جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ابتدا تاکنون.

در بخش پایانی این قسمت، به نقد کلی و ارائه پیشنهادهاى مطرح‌شده توسط دانشجویان و اساتید می‌پردازیم:

۱۰. الزامات بازنگری در درس سیاست خارجی

■ نبود انسجام بین رئوس مطالب و بندهای طرح‌شده در سرفصل درس (به طوری که نمی‌توان هیچ شاخصی را در طبقه‌بندی مطالب شناسایی کرد)؛

■ روشمند نبودن ترتیب چینش این سرفصل؛

■ کلی‌انگارانه و کلیشه‌ای بودن سرفصل؛

■ انعطاف‌ناپذیر بودن و تغییرناپذیری بندهای سرفصل (درحالی که مبانی اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی در حال تحول هستند)؛

■ آرمان‌گرایانه بودن سرفصل این درس و ضرورت توجه به رئال بودن آن (در نتیجه، بیشتر موارد این سرفصل در دنیای امروز کارایی ندارد)؛

■ تدوین این سرفصل در سال‌ها پیش و در فضائی شدیداً احساسی و انقلابی (بیشتر ایدئال‌های مقطعی در فضای سیاسی و انقلابی به صورت تیتروار به صورت سرفصل انتخاب شده است)؛

■ عدم پاسخگویی سرفصل این درس به سؤالات و دغدغه‌های دانشجویان؛

■ عملیاتی نبودن سرفصل این درس در دنیای امروز؛

■ فقدان پیش‌بینی منابع مطالعاتی برای این درس.

بررسی پیشنهادها و خلأهای سرفصل درس

■ ضرورت تدوین مقدمه‌ای مختصر و روشمند برای درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛

■ تعریف واحد درسی، تبیین طرح درس و ضرورت و اهمیت درس در

ابتدای سرفصل؛

- طراحی اهداف درس به صورت روشمند؛
 - تبیین عناوین و طرح‌های پیشنهادی برای تحقیق؛
 - ارائه سرفصل‌ها در دو بخش مجزا با عناوین کلیات و بررسی موردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقاطع مختلف با توجه به کاربردی کلیات مذکور در هنگام تحلیل مقاطع؛
 - تدوین جدول دروس پیش‌نیاز؛
 - اختصاص بندهایی تحت عناوین آشنایی با تئوری‌های نظریه‌پردازان عرصه سیاست خارجی، بررسی تاریخچه سیاست خارجی ایران پیش از انقلاب اسلامی، منافع ملی جمهوری اسلامی ایران و تغییر در نظام بین‌الملل و تأثیر آن بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (از جمله فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، واقعه یازده سپتامبر و حوادث پس از آن، تأثیر حمله امریکا به افغانستان و عراق، طرح خاورمیانه بزرگ و فرایند جهانی‌شدن)؛
 - اختصاص بندی در سرفصل درس برای پرداختن به مسائل روز سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛
 - ارائه این درس در قالب دو درس مجزا؛ در مورد درس دوم که در آن به بُعد نظری پرداخته نمی‌شود، می‌توان سرفصل را به شکل زیر تدوین کرد:
- بخش اول: کلیات
- تاریخچه
 - اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
 - اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
 - ایدئولوژی و سیاست خارجی
 - منابع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
 - مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
 - نهادهای تأثیرگذار بر تدوین و اجرای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
- ایران
- بخش دوم: بررسی گفتمان‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
 - اختصاص بندی تحت عنوان نقد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در دوره‌های مختلف؛

- اختصاص بندی تحت عنوان بررسی فرصت‌ها، چالش‌ها، بحران‌ها و راهکارهای پیش روی دستگاه سیاست خارجی ایران در دوره‌های مختلف؛
- مقایسه تطبیقی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای دیگر؛
- اختصاص تیترومناسبی در سرفصل درس برای رسانه‌های گروهی و افکار عمومی؛

- در نظر گرفتن تیترومناسبی برای فرهنگ ایران و نقش ژئوپلیتیک ایران بر تصمیمات سیاست خارجی کشور در سرفصل درس؛
- اختصاص کارگاه آموزشی و واحدهای عملی برای این درس؛
- بررسی جهت‌گیری سیاست خارجی جناح‌های مختلف سیاسی در ایران؛
- تبیین و طراحی منابع درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (به صورت منابع اصلی و فرعی و یا منابع پیشنهادی برای مطالعه).^(۱۹)

نتیجه‌گیری

نظام آموزش عالی کارآمد، نظامی است که با استفاده از تغییر و بهسازی سرفصل دروس، با تحولات شتابنده در عصر جهانی شدن هماهنگ بوده و افراد کارآمد و پاسخگویی را تربیت کند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که سرفصل دروس دانشگاهی، نیاز به بازنگری و تجدیدنظر دوره‌ای دارد تا با تحولات محیطی و علمی جدید هماهنگ باشد؛ در غیر این صورت کارایی خود را از دست می‌دهد و منسوخ می‌شود. هماهنگ بودن برنامه درسی با نیازها و خواسته‌های اقشار دانشگاهی، اعتبار این برنامه‌ها را نزد آنها بالا می‌برد و اثربخشی آن را افزایش می‌دهد.

این مقاله اطلاعات لازم را در اختیار مجریان نظام آموزشی در برنامه‌ریزی سرفصل این درس قرار می‌دهد تا با استفاده از آن، ضمن اندیشیدن راهکاری برای تغییر و بهسازی سرفصل درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آن را به بهترین شکل ممکن اصلاح کنند. با توجه به نظرسنجی صورت گرفته در زمینه سرفصل درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوره کارشناسی، این

سرفصل نیاز به تدوین نظام‌مند دارد؛ برخی از سرفصل‌های این درس نیاز به اصلاح دارد؛ برخی با توجه به مرور زمان، کارایی خود را از دست داده و با توجه به شرایط کنونی پاسخگو نیست.

پیوست ۱. سرفصل درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (دوره کارشناسی)

تعداد واحد: ۳ واحد؛ نوع واحد: نظری؛ پیش‌نیاز: ندارد.
هدف: بررسی کلی اصول سیاست خارجی ایران در دوران انقلاب و ویژگی‌ها و تغییرات آن و اهمیت این درس برای دانشجویانی که قصد خدمت در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را دارند، بسیار زیاد است.

سرفصل درس: (۵۱ ساعت)

۱. اصول سیاست خارجی
۲. قانون اساسی و سیاست خارجی
۳. سیاست نه شرقی و نه غربی
۴. ویژگی‌ها و تغییرات سیاست خارجی
۵. عقیدتی‌شدن سیاست خارجی
۶. خروج از بلوک غرب و ورود به بلوک کشورهای غیرمتعهد
۷. کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش
۸. نوسازی دستگاه دیپلماسی
۹. عوامل مؤثر در ساخت تصمیم‌گیری سیاست خارجی:
 - مکتب - ایدئولوژی
 - رهبری
 - افکار عمومی
 - گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار
 - عوامل نظامی و استراتژیک
 - موقعیت اقتصادی و صنعتی
 - فرایند اجرای سیاست خارجی

- نقش قوه مقننه
- نهادهای سیاست خارجی
- مسائل سیاست خارجی

پیوست ۲. پرسشنامه سرفصل درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در

دوره کارشناسی

استاد ارجمند / دانشجوی محترم:

با سلام

پرسشنامه پیش رو برای پیشبرد پژوهشی درباره درس سیاست خارجی مقطع کارشناسی رشته علوم سیاسی است. با توجه به اینکه شما از اساتید / دانشجویان این رشته بوده و با کم‌وکیف این درس آشنا هستید؛ لذا خواهشمند است ضمن مطالعه سرفصل‌های این درس به پرسش‌های پیوست پاسخ دهید. پیشاپیش از همراهی شما تشکر می‌شود.

- آیا عنوان درس را مناسب می‌دانید؛ چرا؟
- آیا اختصاص ۳ واحد درسی برای تدریس این درس کافی است؛ نسبت به افزایش و یا کاهش واحد آن چه نظری دارید؟
- تعیین این درس به عنوان درسی «نظری» مناسب است، یا خیر؛ چرا؟
- آیا جایگاه این درس در ذیل «دروس اصلی» این رشته در مقطع لیسانس را مناسب می‌دانید؟
- آیا درس پیش‌نیازی را قبل از گذراندن این درس پیشنهاد می‌کنید؟
- در برنامه‌ریزی آموزشی هدف درس سیاست خارجی جمهوری اسلامی: «بررسی کلی اصول سیاست خارجی ایران در دوران انقلاب و ویژگی‌ها و تغییرات آن و اهمیت این درس برای دانشجویانی که قصد خدمت در وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران را دارند، بسیار زیاد است»، ذکر شده است. آیا هدف‌گذاری مناسب انجام شده است یا خیر؟ پیشنهاد شما چیست؟ چه هدف‌های دیگری را به این هدف می‌توان افزود و یا کاهش داد؟
- سرفصل این درس در ۹ بند سازماندهی شده است، آیا نظر خاصی (اعم از

اصلاحی، تکمیلی و حذفی) نسبت به محتوای هریک از بندها دارید؛ لطفاً به تفکیک مرقوم فرمایید.

نسبت به بند یک: اصول سیاست خارجی

نسبت به بند دو: قانون اساسی و سیاست خارجی

نسبت به بند سه: سیاست نه شرقی و نه غربی

نسبت به بند چهار: ویژگی‌ها و تغییرات سیاست خارجی

نسبت به بند پنج: عقیدتی شدن سیاست خارجی

نسبت به بند شش: خروج از بلوک غرب و وارد شدن به بلوک کشورهای

غیرمتعهد

نسبت به بند هفت: کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش

نسبت به بند هشت: نوسازی دستگاه دیپلماسی

نسبت به بند ۹ و اجزای آن:

عوامل مؤثر در ساخت تصمیم‌گیری سیاست خارجی:

■ مکتب - ایدئولوژی

■ رهبری

■ افکار عمومی

■ گروه‌های ذی‌نفوذ و فشار

■ عوامل نظامی و استراتژیک

■ موقعیت اقتصادی و صنعتی

■ فرایند اجرای سیاست خارجی

■ نقش قوه مقننه

■ نهادهای سیاست خارجی

■ مسائل سیاست خارجی

علاوه بر نکات محتوایی، چه اصلاحات دیگری به لحاظ ساختاری، موضوعی و

یا روشی و حتی شکلی نسبت به سرفصل‌های درس سیاست خارجی جمهوری

اسلامی ایران پیشنهاد می‌کنید؟

■ سرفصل‌های مصوب درس مذکور دارای چه خلأهایی است و چه

موضوعات و مباحثی به این سرفصل‌ها اضافه شود بهتر است؟ لطفاً مرقوم فرمایید.
 ■ اگر ملاحظات دیگری درباره سرفصل و اهداف این درس و یا احیاناً پرسشنامه دارید، لطفاً مرقوم فرمایید. *

۱. وظیفه خود می‌دانیم که سپاس و درود خود را به اساتید و همکاران محترم ذیل (از دانشگاه‌های شهید بهشتی، علامه طباطبایی، مازندران، یزد، آزاد اسلامی و شاهد) که فرم پرسشنامه را تکمیل فرموده‌اند، تقدیم نماییم:
 خانم دکتر طاهره ابراهیمی‌فر، آقای دکتر حسین جمالی، آقای دکتر امیرمحمد حاجی یوسفی، خانم دکتر بهاره سازمند، آقای دکتر حسین سلیمی، آقای دکتر علی کریمی، آقای دکتر علی مرشدزاد، آقای دکتر بابک نادرپور، آقای دکتر علی اشرف نظری.
 در این پژوهش از مساعدت آقای دکتر علی اشرف نظری عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه یزد، آقای دکتر حاکم قاسمی مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) فزوین، آقای دکتر حسین جمالی عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران، آقای مهدی فقیه دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه تهران و از راهنمایی‌های روشنی آقای داوود میرمحمدی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی بهره بسیار بردیم. در اینجا وظیفه خود می‌دانیم که از همه این عزیزان قدردانی و تشکر کنیم.

پی‌نوشت‌ها

۱. پل اس له وی؛ استنلی لمی شو، نمونه‌گیری: روش‌ها و کاربردها، مترجم: گیتی مختاری امیرمجدی، تهران: مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار، ۱۳۸۱، ۲۴۹-۲۴۸.
2. Randy D. Garrison, Norman D. Vaughan, *Blended Learning in Higher Education*, NJ: John Wiley and Sons, 2007, pp. 106-107.
3. <http://www.edunews.ir>. (10/2/2009).
4. William John Tibble, *An Introduction to the Study of Education*, London: Routledge, 1971, pp. 45-46.
۵. علی خورسندی طاسکوه، آسیب‌شناسی عملکرد نظام آموزشی در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵، ص ۴.
۶. نعمت‌الله عزیزی، درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران با تأکید بر علوم انسانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵، ص ۱۴.
- خورسندی طاسکوه، پیشین، ص ۵
- الهام میرآشتیانی، «جامعه‌شناسی آسیب‌های نظام آموزشی کشور»، فصلنامه راهبرد، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۵، صص ۶۵-۶۴.
7. Amrik Singh, *Fifty Years of Higher Education in India: The Role of University Grants Commission*, New Delhi: SAGE, 2004, pp. 84-85.
۸. عزیزی، پیشین، ص ۱۵.
۹. کورش فتحی واجارگاه، نیازسنجی آموزشی، الگوها و فنون، چاپ سوم، تهران: آبیژ، ۱۳۸۴، صص ۳-۴.
۱۰. همان، ص ۲۱.
۱۱. شاپور راسخ، تعلیم و تربیت در جهان امروز، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵، ص ۴۵.
12. <http://www.tebyan.net>. (3/12/2008).
13. Mojtaba Maghsoudi, "The Impact of the Islamic Revolution on Political Science Curriculum of the Bachelor Degrees In Iran", in: *Proceedings International Conference On Social & Humanities*, 2008, 18th-20th June 2008 University Sains, Penang, Malaysia, (www.usm.my/icossh).
۱۴. نسرین مصفا، سیری در تحولات آموزشی و پرورشی علوم سیاسی و روابط بین الملل، نقش عوامل تأثیرگذار سطح کلان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۵، صص ۱۶۸-۱۶۷.

۱۵. علیرضا ازغندی، علم سیاست در ایران، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۲، ص ۹۳.
۱۶. عزیزی پیشین، ص ۶۱.

17. <http://www.Rahpouyan.com> (25/3/2009)

18. <http://www.farabiaward.ir> (10/2/2009).

۱۹. مجتبی مقصودی، سرفصل‌های درسی رشته مطالعات تمدن ایرانی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی، ۱۳۸۵، (پروژه مطالعاتی منتشر نشده).

